

تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه نفع شخصی یوهان گرافلند

محمد لعل‌علیزاده^۱، علی اکبر پور آلمه جوقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

چکیده:

پرداختن به مسئله اپوزیسیون به‌منزله یکی از ظرفیت‌هایی که نقش مهمی در اصلاح و کنترل قوانین و عملکرد دولت دارد، بسیار مهم است. با استفاده از بسترهای موجود در سیستم سیاسی، اپوزیسیون می‌تواند وظیفه نظارت بر اجرای قوانین را بر عهده بگیرد و وجود نقص و ناکارآمدی را مطرح نماید و تلاش کند تا بهبودی و اصلاحی در بخش‌های مختلف حاکمیت صورت گیرد. اما در تحلیل و ارزیابی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، اپوزیسیون یک حرکت سیاسی، بین‌المللی و مبتنی بر منافع گفتمانی است که در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته است. اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران شامل مخالفان داخلی و خارجی است. هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل اپوزیسیون خارجی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد نفع شخصی یوهان گرافلند با استفاده از روش تحلیلی بود. نتایج پژوهش نشان داد اپوزیسیون خارجی از طریق حامیان خارجی، رسانه‌ها، و گروه‌های فعال تلاش نموده‌اند تا تغییرات سیاسی و نظامی در ایران انجام دهند و برای رسیدن به این هدف، اولویت نفع شخصی و منفعت‌طلبی هر کدام از اپوزیسیون مطرح بوده و نفع عموم مردم و ظرفیت‌های دموکراتیک اپوزیسیون در معنای سیاسی آن، به این معنا که منافع اجتماعی را در نظر بگیرند، پیگیری نشده است.

واژگان اصلی: اپوزیسیون، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، نفع شخصی، گرافلند.

مقدمه

اپوزیسیون سیاسی مدت‌هاست که یکی از مهم‌ترین عناصر سیاست دنیای واقعی در رژیم‌های دموکراتیک و همچنین رژیم‌های اقتدارگرای معاصر است. از حدود یک دهه گذشته موجی از تحقیقات در این زمینه شکل گرفته است. باوجود تعهد نظریه دموکراتیک معاصر به در نظر گرفتن اپوزیسیون به‌عنوان عنصر اساسی دموکراسی، اما نسبت به آن دیدگاهی منفی شکل گرفته است. این در حالی است که از زمان سارتوری (۱۹۷۶) به‌طور گسترده پذیرفته شده است که ماهیت یک نظام سیاسی تا حد زیادی به ویژگی‌های اصلی احزاب مخالف بستگی دارد. درعین‌حال، ادبیات بین‌المللی رو به رشد، اما درعین‌حال پراکنده‌ای در مورد انبوهی از مسائل مختلف مخالفان سیاسی در انواع رژیم‌های سیاسی وجود دارد که پیگیری آن برای محققان و تحلیلگران بسیار دشوار است. بااین‌حال، زمان زیادی طول کشید تا علوم سیاسی ارزش مطالعه اپوزیسیون را تشخیص دهد. دال (۱۹۶۶) به‌طور مشخص بر مخالفت‌های سیاسی در دموکراسی‌های غربی متمرکز بود.^۳ درحالی‌که به‌درستی تأکید می‌شود که فقدان احزاب مخالف می‌تواند به‌عنوان شاهدی قانع‌کننده برای فقدان دموکراسی تلقی شود (Biezen & Wallace, 2013: 292)، برخی دیگر چنین استدلال می‌نمایند که وجود یک حزب مخالف به‌عنوان شاهدی برای وجود نظم دموکراتیک نیست (Schedler, 2013: 26). درهرحال، وجود اپوزیسیون امری پذیرفته شده است و افراد و گروه‌های مختلف در نقش مخالف اقدام به مخالفت با سیاست‌های نظام‌های حاکم می‌نمایند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز با پیروزی انقلاب گروه‌های سیاسی مختلف با ایدئولوژی و مرام‌نامه‌های متنوع اقدام به مخالفت با نظام سیاسی حاکم بر ایران نمودند. ازجمله مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به سازمان فداییان خلق که فعالیت‌های سیاسی خود را بیشتر در کشورهای اروپایی دنبال می‌نمایند؛ جریان‌های سلطنت‌طلب که در تلاش برای بازگشت مجدد به قدرت سیاسی هستند؛

1 Sartori

2 Dahl

۳ مطالعات بسیاری پس از دال در مورد اپوزیسیون صورت گرفته که از جمله می‌توان به پژوهش دیگری از دال (۱۹۷۳)؛ یونسکو و ماداریاگا (۱۹۶۸)؛ شاپیرو (۱۹۷۲)؛ توکس (۱۹۷۹)؛ کولینسکی (۱۹۸۸) و رودان (۱۹۹۶) اشاره نمود. در همین حال، بسیاری از تحلیل‌ها ماهیت اپوزیسیون سیاسی را بستگی به نوع نظام سیاسی بررسی کرده‌اند.

Blondel, J. (2014). Political Opposition in the Contemporary World. *Government and Opposition*, 32 (4): 462-486.

همچنین سایر افراد و گروه‌های مستقل اشاره نمود که با وجود گرایش‌های مختلف به مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام نموده‌اند. اپوزیسیون ایران با فعلگی و مزدوری تعریف می‌شود؛ اقدامات و کنش و واکنش‌های آنها تحت تاثیر بازیگران خارجی است و مراکز اصلی آن‌ها نیز غالباً کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا است. اپوزیسیون همواره در جهت مخالفت با نظام سیاسی ایران، تشکیلاتی شکل داده و از کسانی که به‌عنوان سرکرده‌های مخالفین یاد می‌شود در جهت منافع خود استفاده برده است. کنش‌های این گروه‌ها طی سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته و در جهت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام به صدور بیانیه‌ها و حمایت‌هایی از اعتراضات نموده‌اند. این‌که مخالفت‌های این گروه‌ها با چه اهداف و منافع پیگیری می‌شود، مسئله‌ای است که از منظر رویکردهای مختلفی بررسی شده است، اما این‌که دیدگاه نفع شخصی به چه نحوی می‌تواند به تبیین و تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران کمک نماید، موضوعی است که نیازمند بررسی بود. بنابراین واکاوی این مسئله با یک رویکرد علمی می‌تواند ضمن افزودن به غنای منابع علمی و دانشگاهی، به‌عنوان راهنمایی مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرد.

۱. پیشنهاد تحقیق

اگرچه در خصوص اپوزیسیون پژوهش‌هایی انجام شده و مطالبی نگارش شده است و شاید پرداختن به آن، تکراری تلقی شود، اما از زاویه‌ای که در این پژوهش بررسی شده است، امکان ارائه نتایج وجود دارد که می‌تواند به ترسیم وضعیت و شناخت شرایط کمک نماید.

سالم و همکاران (۱۴۰۰ ب) در یک مقاله با عنوان تحلیل مواضع و فرآیند بسیج منابع اپوزیسیون چپ و سلطنت‌طلب: مطالعه موردی سازمان راه کارگر و شورای ملی ایران، مواضع و فرآیند بسیج شورای ملی ایران و سازمان راه کارگر که به ترتیب از مهم‌ترین گروه‌های سلطنت‌طلب و چپ مارکسیست مخالف جمهوری اسلامی هستند، بررسی شده است. در این پژوهش که با چارچوب نظری مبتنی بر نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی صورت این دو گروه را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را نشان داده است. مواضع و فرآیند بسیج سیاسی دو گروه دارای تفاوت‌های عمده‌ای است به نحوی که امکان هرگونه ائتلاف و همکاری نزدیک با توجه به اختلافات مبنایی بین آن‌ها منتفی است؛ لیکن هر دوی آن‌ها به یک میزان خواهان براندازی نظام جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با نظام سیاسی مدنظر خود هستند.

فکری (۱۳۹۹). در رساله‌ای با عنوان اپوزیسیون در نظام جمهوری اسلامی این سؤال را مطرح کرده که مواجهه جمهوری اسلامی ایران و اپوزیسیون در چهل سالگی انقلاب چگونه است؟ وی پاسخ می‌دهد که با گذشت بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی و تغییرات در ساختار اپوزیسیون و همچنین ثبات در نظام و شیوه‌های برخورد، اما همچنان در برخورد با اپوزیسیون درون نظام همچنان سلیقه نیز اعمال می‌شود و نحوه برخورد با مخالفان، به سازوکار باثبات و مشخصی نرسیده است. از سوی دیگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران نیز از نداشتن برنامه و الگو مورد نقد است. عدم تعامل نظام و اپوزیسیون باعث کژکارکردی اپوزیسیون و تبدیل به دشمن و از سوی دیگر عدم استفاده از ظرفیت اپوزیسیون عامل جدایی و بی‌اعتمادی نیروهای سیاسی و اجتماعی به نظام می‌گردد.

منصوری (۱۳۹۹). در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی چرایی و چگونگی تغییر استراتژی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در قبال جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۱ به بعد) به دنبال واکاوی چرایی و چگونگی تغییر استراتژی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در قبال جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۱ به بعد بوده است. سؤال اصلی این‌گونه مطرح شده است که از سال ۲۰۱۱ به بعد چه عواملی و چگونه منجر به تغییر استراتژی سخت سازمان مجاهدین، به استراتژی نرم در قبال جمهوری اسلامی گردید؟ نتایج تحقیق نشان داد که مجاهدین خلق (منافقین) چون از لحاظ نظامی و سخت‌افزاری توان مقابله با نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران را نداشتند، و در راستای سیاست‌های حامیان سیاسی (آمریکا، مالی (عربستان سعودی) و ایدئولوژیکی (اپوزیسیون خارج نشین)، به سمت استراتژی‌های نرم روی آورده و با استفاده از فضای رسانه‌ای درصدد تحریف افکار عمومی، تشویش و تغییر آن‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی از درون هستند.

صدر شیرازی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این کتاب، سیر شکل‌گیری گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران و دلایل گرایش آنان به گروه‌های ضدامنیتی بررسی شده است.

حق پناه (۱۳۷۸). در مقاله‌ای با عنوان اپوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. به تعریف مفهوم اپوزیسیون و طبقه‌بندی طیف‌های آن، از جمله مباحث مبهم جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته است. همچنین به تقسیم‌بندی اپوزیسیون به دو طیف اپوزیسیون قانونی و برانداز، و تعامل هر یک از این دو طیف بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران را به بحث و بررسی می‌کشد. نویسنده پس از بررسی نحوه شکل‌گیری و مقاطع فعالیت گروه‌های مخالف نظام و تهدیدات امنیتی آنان ظرف ۲۰ سال گذشته،

در تبیین وضعیت کنونی جامعه به این نتیجه می‌رسد که زمینه‌سازی و تمهید شرایط فعالیت اپوزیسیون قانونی می‌تواند مانع از پیدایش و شکل‌گیری اپوزیسیون معاند یا برانداز شود.

خان و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهش خود نقش اپوزیسیون سیاسی: پیش‌نیاز دموکراسی را بررسی نمودند. گفته شد که برای پیروز بودن دموکراسی، نظام چند حزبی یا حداقل نظام دوحزبی الزامی است. این مقاله به تحلیل حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات مخالفان در یک سیستم دموکراتیک پرداخت. نتیجه گرفته شد که اپوزیسیون باید روی کارکردهای دموکراتیک تمرکز کند و اگر نتواند این کار را انجام دهد، نشانه دموکراسی ناکارآمد خواهد بود.

همچنین احسانی نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی به پیدایش، رویکرد و فرجام گروه‌های معاند و اپوزیسیون و ابوالحسنی (۱۳۷۸) نیز به بررسی پرونده اپوزیسیون در ایران می‌پردازند.

پژوهش‌هایی که در مورد اپوزیسیون جمهوری اسلامی انجام شده به مواضع، استراتژی و فرجام اپوزیسیون پرداخته‌اند که هر کدام پژوهشی مستقل در این زمینه و مهم بوده است. اما پژوهشی که نشان دهد هر کدام از اپوزیسیون به چه دلایلی نمی‌توانند در بسیج سیاسی موفق باشند یا اینکه چرا اپوزیسیون کارکردی دموکراتیک، اصلاحی و مدنی پیدا نکرد، نیازمند تأمل جدی و دقیقی است. با بررسی و متمرکز شدن روی هر کدام از اپوزیسیون سیاسی جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی که یک سال متشنج را پشت سر گذاشته‌ایم می‌توانیم با مصداق‌هایی رفتار اپوزیسیون را تحلیل کنیم که هر یک از این گروه‌ها یا افراد دنبال نفع شخصی و رسیدن به خواسته‌های فردی یا گروهی خود بوده‌اند و به‌هیچ‌وجهی منفعت عمومی مردم ایران یا منافع ملت ایران برای آن‌ها اهمیت نداشته است. لذا برای ساختارمندی پژوهش از تئوری نفع شخصی استفاده‌شده و نشان داده شد که رفتار هر یک از اپوزیسیون در پیگیری مسئله تغییر در ایران با نظریه نفع شخصی قابل تبیین و توضیح می‌باشد.

۲. چارچوب نظری: نفع شخصی یوهان گرافلند^۲

در آثار و منابع مختلف، کاریست نظریه انتخاب عمومی الوانی (۱۳۷۸)؛ مدل بسیج سیاسی چارلز تیلی (۱۳۸۵)؛ نظریه کنش جمعی منسر اولسون (۲۰۰۲)؛ نظریه انتخاب عمومی و انتخاب عقلایی

- | | |
|---|-----------------|
| 1 | Khan |
| 2 | Johan Graafland |
| 3 | Charles Tilley |

جان شاو (۲۰۰۵) و سایر اندیشه‌ورزان را می‌توان برای تبیین و تحلیل انتخاب افراد به‌ویژه در مسائل سیاسی و اجتماعی مشاهده کرد. در واقع آثار زیادی درباره این مسئله در ایران و به تاسی از نظریه‌های اندیشه‌ورزان غربی به رشته تحریر درآمده است، اما در چارچوب نظریه منفعت شخصی یوهان گرافلند، مقاله یا پایان‌نامه‌ای این الگو را برای دوره‌های مختلف تاریخی ایران به کار نبرده‌اند. تئوری نفع شخصی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین فروض حاکم بر علم اقتصاد، به دلیل آنکه امکان پیش‌بینی‌های قابل استدلال در مسائل سیاسی و اجتماعی را دارد، بسیار مورد استقبال اقتصاددانان و تحلیلگران است. باور اقتصاددانان این است که همه فرآیندهای اجتماعی مبتنی بر این فرض که افراد بر طبق نفع شخصی خود عمل می‌کنند، قابل تبیین است (گرافلند، ۱۳۹۲: ۲). هرچند که به باور برخی دیگر (یونس و وبر، ۱۳۹۴)، مردم موجودات تک‌بعدی نیستند، و چندین بعد دارند که احساسات، باورها، اولویت‌ها و الگوهای رفتاری متفاوت ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که همه به فکر حداکثر رساندن سودشان نیستند، اما از منظر تئوری نفع شخصی، هر نوع اقدامی با هدف حداکثرسازی منافع شخصی صورت می‌گیرد. این تئوری نخستین بار توسط آدام اسمیت و دیوید هیوم وارد مباحث اجتماعی شد. اسمیت (۱۷۷۶) در کتاب «ثروت ملل» استدلال نمود که رفتار مبتنی بر نفع شخصی موجب تسهیل عملکرد کارآیی اقتصاد می‌شود و لذا عمل منطبق بر آن عملی اخلاقی خواهد بود؛ چراکه کارآیی و بهبود اقتصادی را در پی دارد. اسمیت به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان مدافع اقتصاد غیراخلاقی در نظر گرفته می‌شود که در آن تعقیب منافع شخصی دارای اهمیت است (Hühn & Dierksmeier, 2016: 121). این دیدگاه پس از گذشت چند صد سال از آن زمان، هنوز هم در نظریه‌های نوین اقتصادی و حتی اجتماعی کم‌وبیش قابل استفاده است.

از جمله تحلیل‌گران و اقتصاددانانی که به تحلیل و تبیین این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به یوهان گرافلند (۲۰۰۹) اشاره نمود که در مقاله خود با عنوان «منفعت شخصی» مدعی شد که اسمیت در کتاب خود فقط به دنبال منفعت شخصی بوده است. در حالی که باید از دادن پاسخ بله یا خیر فراتر رفت و دقیقاً نشان داد که این مسئله به چه میزان در توجه به منافع خود و دیگران نقش دارد (Graafland &

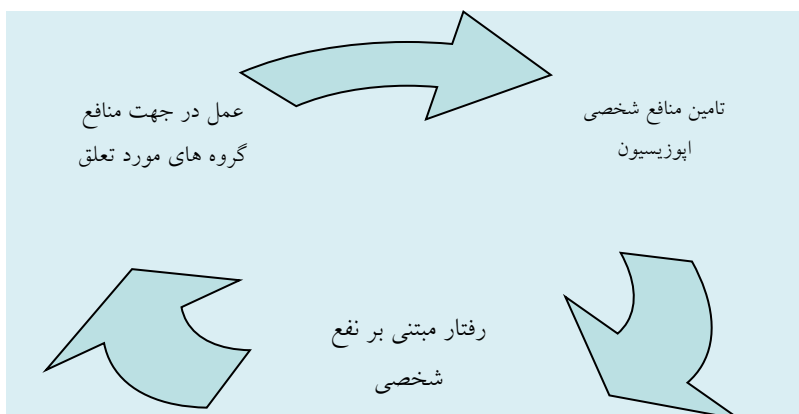
-
- | | |
|---|-------------------|
| 1 | Mancur Olson |
| 2 | Jane Shaw |
| 3 | Adam Smith |
| 4 | David Hume |
| 5 | Wealth of Nations |

(Wells, 2021: 32). بر طبق دیدگاه گارفلند، فعالیت‌های افراد در هماهنگی با منافع شخصی، هزینه‌های پایین اقتصادی، و حقوق مالکیت مشخص و اعمال‌شده صورت می‌گیرد (Graafland, 2020: 277). بر طبق این دیدگاه، تفسیر می‌شود که تصمیم‌گیری‌های انسان، ماهیت دوگانه ندارند، و همه رفتارها بر اساس نفع شخصی قابل تبیین است. چنین نیست که انسان در بازار کالا و خدمات و تصمیم‌گیری‌های فردی پیگیر منافع شخصی است اما در بازار سیاست و انتخاب ایده‌ها و روش‌های اداره‌ی جامعه، چشم از منافع شخصی پوشیده و پیگیر منافع اجتماعی است» (نیلی و همکاران، ۱۳۹۳). براساس چنین منطقی، رأی‌دهندگان در یک نظام سیاسی نیز براساس منافع فردی خود در انتخابات شرکت می‌کنند و افراد بر طبق «نفع شخصی آگاهانه»، دست به اقدامات سیاسی می‌زنند. بر طبق نفع شخصی آگاهانه، افرادی را می‌توان مشاهده کرد که بیش از آنکه در جهت منافع خود عمل کنند، در جهت منافع دیگران و یا در جهت منافع گروه و یا گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارند عمل می‌کنند؛ انگاره نفع شخصی آگاهانه ناظر بر این معناست که این اشخاص نیز در نهایت امر به‌واسطه نفع شخصی خودانگیخته شده‌اند و درواقع خادم منافع شخصی خودشان می‌باشند. باین‌حال، صرف تأکید بر منافع شخصی دارای ایراد است و مانع از تمیز نهادن بین اهداف و مقاصد متنوع می‌شود، و امکان تبیین آن را از بین می‌برد. از همین روی باید بین سه موضع تفسیر تمایز قائل شد (Sen, 1987: 80).

الف) رفتار مبتنی بر نفع شخصی آن رفتاری است که در وضعیتی شکل گیرد که در آن وضعیت، رفاه شخص تنها و تنها وابسته به مصرف شخصی خود او است. ب) رفتار مبتنی بر نفع شخصی آن رفتاری است که در وضعیتی شکل گیرد که مطلوبیت شخص وابسته به رفاه خود او است (و نه مستقیماً وابسته به رفاه دیگران)، اما رفاه او می‌تواند صرفاً وابسته به مصرف فردی نباشد، بلکه به ارزش‌هایی مثل تحسین و تمجید دیگران نیز بستگی داشته باشد. ج) رفتار مبتنی بر نفع شخصی آن رفتاری است که انتخاب آن رفتار مبتنی بر یک مقصود شخصی باشد. در این بیان، تصمیم‌گیری برای انتخاب هر عملی توسط شخص مستقیماً تابع پی‌جویی اهداف شخصی خود او است، اما این اهداف ممکن است با اموری غیر از حداکثر شدن رفاه فردی، از جمله اهداف اخلاقی مثل عدالت توزیعی و جبرانی، سروکار داشته باشند. در قالب این سه نوع تفسیر، می‌توان بیان داشت که آیا رفتار و یا خواسته‌ای مبتنی بر نفع شخصی است یا خیر. قبول تفسیر سوم که مبتنی بر آن همه اهداف و رفتارهای اخلاقی و اجتماعی

ناشی از نفع شخصی توصیف می‌شود، از بین بردن شفافیت مفهومی و عدم امکان تمایز میان مقاصد و رفتارهای متنوع را شکل می‌دهد؛ به‌نحوی که دیگر نمی‌توان چیزی را به لحاظ مفهومی از دایره نفع شخصی بیرون گذاشت (جان‌محمدی، ۱۳۹۲: ۴). از همین روی، تفسیر سوم قابل تحلیل نیست و لزوماً باید بر تفسیر اول و دوم تأکید نمود.

اگر شرایط به‌گونه‌ای باشد که لوازم ضروری برای کارآیی مکانیزم اعتبار مهیا نباشد، در این حالت فضایی نظیر عدالت، امانت، اعتماد و خیرخواهی اهمیت زیادی برای پوشش معایب شکل خواهند گرفت (Graafland, 2007: 7). در این راستا، ویژگی‌های نظریه‌های مختلف اخلاقی (فایده‌گرایی، وظیفه اخلاقی و حقوق، اخلاق عدالت و فضیلت) که می‌تواند برای ارزیابی مورد استفاده قرار گیرند، کاربرد نخواهند داشت (Graafland, 2007: 4). این نوع بینش می‌تواند به توسعه استدلال‌ها و مهارت‌های تحلیلی مورد نیاز برای تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران و نوع تقابلی که با یکدیگر داشته‌اند، کمک نماید. در این چارچوب است که می‌توان به تبیین و تحلیل اقدامات افراد به‌ویژه در مسائل سیاسی و اجتماعی اقدام نمود. از آنجایی که در این پژوهش، «تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران» مدنظر بود، استفاده از تئوری نفع شخصی می‌تواند به تبیین اهداف اپوزیسیون کمک نماید. در این چارچوب، اپوزیسیون از تبلیغات سیاسی هدفمند عمدتاً برای بسیج طرفداران خود استفاده کرده است تا زمینه‌ای را شکل دهند که منافع فردی خود یا نهایتاً منافع حزبی‌شان کسب گردد. در صورتی که اپوزیسیون نقش مهمی در اصلاح و کنترل قوانین و عملکرد دولت دارد. با استفاده از بسترهای موجود در سیستم سیاسی، اپوزیسیون می‌تواند وظیفه نظارت بر اجرای قوانین را بر عهده بگیرد و در صورت وجود نقص و ناکارآمدی آن‌ها، آن را مطرح کند و تلاش کند تا بهبودی و اصلاحی در بخش‌های مختلف حاکمیت ببخشد. یا نهایتاً اپوزیسیونی که در خارج از سیستم سیاسی فعالیت می‌کنند به‌صورت مستقل مطالباتی جهت خیر ملی و منافع ملی دنبال کنند و عملکرد آن‌ها نشان‌دهنده این باشد نه پیگیری منافع فردی و شخصی که هیچ نسبتی با منافع مردم ایران ندارد.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

۳. مفهوم اپوزیسیون

ایده ناب دموکراسی، طبق تعریف آن، حکومت بر کل مردم توسط کل مردم است. اولی مترادف با برابری همه شهروندان است. دومی، یک دولت ممتاز به نفع اکثریت عددی است (Mill, 1862: 13). در این بین، اپوزیسیون مسئولیت ارائه انتقاد و ارائه جایگزین‌های مفید برای سیاست‌های دولت را دارد. اگر این عملکرد به درستی انجام شود، به دولت کمک می‌کند تا اهدافی را که بهترین شرایط را برای رضایت عمومی فراهم می‌کند، تعیین کند (Demirkaya, 2017: 34). بنابراین، وجود یک اپوزیسیون سالم، ویژگی مشترک سیاست دموکراتیک است. برای اینکه یک نظام دموکراتیک و مردم‌سالار به درستی عمل کند، به یک اپوزیسیون نیاز است تا رقابت سیاسی را فراهم کند، و در نتیجه قدرت حزب حاکم یا نظام سیاسی را محدود کند (Kotze & Garcia, 2008: 454). از همین رو، وجود اپوزیسیون برای فرآیند دموکراتیک بسیار مهم هستند، زیرا قدرت و استراتژی‌هایی که آن‌ها استفاده می‌کنند می‌تواند به پویایی دموکراسی کمک نماید.^۱ عدم پرداختن به اپوزیسیون می‌تواند منجر به کاهش کیفیت تصمیم‌ها و فعالیت‌های سیاسی شود. وجود یک اپوزیسیون قوی و مستقل که توانایی ارائه نظرات و پیشنهادهای سازنده را داشته

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر. ک:

Christina, A. (2022). Parties of Pressure: Opposition parties in the dominant-party systems of Botswana and South Africa. Dissertation presented for the degree of, Doctor in Philosophy in the Faculty of Arts & Social Sciences at Stellenbosch University.

باشد و مهم‌تر از همه منافع ملی و عمومی یک کشور را نمایندگی کند، به رسیدن به تصمیمات بهتر و در نتیجه رشد و توسعه کشور کمک می‌کند. باین‌حال، اپوزیسیون را می‌توان نیروهای سیاسی شکل یافته یا غیرمتشکل مخالف دولت یا قدرت مستقر دانست (حق پناه، ۱۳۷۸: ۸۴). دسته‌بندی‌های متفاوتی از اپوزیسیون شکل گرفته که از جمله می‌توان به اپوزیسیون قانونی و غیرقانونی اشاره نمود. اپوزیسیون قانونی از یک سو به دلایل مختلفی همچون ساخت قدرت، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی در برخی کشورها امکان شکل‌گیری ندارد و از سوی دیگر بعضاً به دلیل تکیه بر منافع شخصی، گفتمانی و یا مبتنی بودن با منویات بازیگران خارجی از کارکرد اصلی خویش فاصله می‌گیرند و بنابراین اجازه فعالیت قانون از آنها سلب می‌گردد.

۴. جمهوری اسلامی ایران و روند شکل‌گیری اپوزیسیون

ایران سنت طولانی و با سابقه‌ای در اعتراض و انقلاب دارد. این سنت با طیف وسیعی از فعالیت‌های اپوزیسیون مختلف مشخص شده است. برای مثال، «اعتراضات تنباکو» در اواخر قرن نوزدهم و در دوره قاجار، اتحاد موفقی از روحانیون و بازاریان را علیه دولت شکل داد. به همین ترتیب، آغاز قرن بیستم شاهد بسیج گروه‌های سوسیالیست، فمینیست، و قومی‌سیاسی و همچنین سیاستمداران منطقه گرا و ناسیونالیست بود (کرونین، ۱۳۸۵؛ نجم‌آبادی، ۱۳۸۴). انقلاب اسلامی ایران بار دیگر تنوع این نیروهای اپوزیسیون را آشکار کرد، زمانی که یک اتحاد متنوع منجر به تغییر رژیم سیاسی پهلوی شد (Kurzman, 2004: 17). در سال‌های اول پس از انقلاب، این تنوع اپوزیسیون در درون نخبگان سیاسی بازتولید شد. در نتیجه گروه‌هایی که با ایدئولوژی دولت جدید متفاوت بودند به سرعت تحت تعقیب قرار گرفتند و به حاشیه رانده شدند (Bonacker & Sydiq, 2021: 4). باین‌وجود، نخبگان سیاسی و گروه‌های اپوزیسیون فراتر از نهادهای دولتی اقدام به کنش‌هایی در مخالفت با نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نمودند. موج‌های اعتراضی پی‌درپی از دهه ۱۳۷۰ تاکنون مواضع اپوزیسیون بی‌شماری را آشکار کرده است. این گروه‌ها طیف متنوعی از مسائل، از جمله مشکلات اجتماعی-اقتصادی، آزادسازی اخلاق عمومی، یا افزایش حقوق اقلیت‌ها را هدف قرار می‌دهند (Gerges, 2015: 10).

بنابراین ایجاد جمهوری اسلامی از همان ابتدا با مشکلاتی همراه بود. هدف امام خمینی (ره) جایگزینی یک حکومت عادلانه و مردمی تحت اصول اسلام به‌جای نظام پهلوی بود. چالش جمهوری

اسلامی این بود که چگونه می‌توان حاکمیت مردمی را تحت حاکمیت روحانیت برقرار کرد و حکومتی را با مأموریت الهی حفظ کرد که وظیفه واقعی سکولار آن اداره یک کشور مدرن در دنیای سرمایه‌داری تحت سلطه غرب بود. انشعابات ایدئولوژیک پدید آمده، و نیز مشکلات اقتصادی مداوم دولت، تردیدهایی را در مورد توانایی یا حتی مشروعیت علما برای هدایت امور دولتی ایجاد کرد. در نتیجه، ایران تاکنون در میان گرایش‌های دموکراتیک، کنترل خودکامه و سرکوب در نوسان بوده است. نظام سیاسی فوق به صورت پیچیده‌ای تحت سلطه روحانیون قرار داشته است. بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به یک حکومت دینی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و انقلابی تبدیل شد که ولی فقیه در کنار نظام حکومتی مشروطه با ائتلاف‌های کوچک مختلف، حافظ این حکومت بود. مقام معظم رهبری بالاترین مقام در ساختار قدرت ایران محسوب می‌شود و رقابت بین ائتلاف‌ها را متعادل می‌کند تا ایرانی باثبات، انقلابی و دین‌سالار تضمین شود. در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری جریان جایگزین و رسمی قدرت در اختیار امام خمینی (ره) قرار گرفت. دال مرکزی گفتمانی رهبر انقلاب مبتنی بر ولایت فقیه و حاکمیت اسلام سیاسی بود. بدین تفسیر تا سال ۱۳۶۰ جریان‌های انقلابی که به مدد خلاء قدرت توانسته بودند به ایجاد تشکیلات دست زنند، اما ذیل گفتمان امام خمینی (ره) نمی‌توانستند تعریف شوند و به‌طور کلی از ساختار قدرت کنار زده شدند. در نتیجه چنین وضعیتی و از بین رفتن منافع بسیاری از افراد و گروه‌های سیاسی، اپوزیسیونی شکل گرفت که حامیان و هواداران داخلی و خارجی خود را داشت. بسیاری از این گروه‌های سیاسی بر سر شکل‌گیری انقلاب اسلامی و حکومت جدید با یکدیگر همکاری داشتند، اما پس از به قدرت رسیدن گروه اکثریت به رهبری روحانیون و نیروهای انقلابی، به گروه‌های اپوزیسیون تبدیل شدند و در چارچوب قانون به فعالیت‌ها و انتقادهایی از سیاست حاکمان پرداختند. در عین حال، برخی دیگر از گروه‌ها به صورت غیرقانونی به گروه‌های معاند انقلاب تبدیل شدند و برای سقوط نظام انقلاب اسلامی تلاش نمودند (فکری و رهبر، ۱۴۰۰: ۱۳). این مخالفت‌ها با نظام سیاسی حاکم بر ایران در طول بیش از ۴۰ سال ادامه داشته، و مخالفت اپوزیسیون به شیوه‌های مختلف نظامی و براندازانه آشکار بوده است. از سال‌های ۱۳۸۸ به بعد و در جریان اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ تمایل این گروه‌ها به استفاده از رسانه‌های گروهی و شبکه جهانی وب افزایش یافته است. بنابراین جنس مخالفت‌ها در طول بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی دگرگون شده و کنش هر یک از آن در تقابل با حاکمیت به نحو متفاوتی همچون شیوه‌های نظامی و براندازانه شکل گرفته است. همچنین ضدیت آن‌ها گاه جنبه اقتصادی، گاه فرهنگی و

گاه جنبه سیاسی پیدا نموده است (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۴). این کنش‌ها در برخی موارد با حمایت کشورهای بیگانه و در راستای منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است.

۵. دسته‌بندی اپوزیسیون با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی ایران

اپوزیسیون غیرقانونی در جمهوری اسلامی ایران بسیار متنوع است و هر کدام از آن‌ها با توجه به اهداف و ایدئولوژی که دارند به فعالیت و کنش علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام نموده‌اند. افراد و جریان‌های بسیاری تلاش کرده‌اند که در جهت وحدت گروه‌های اپوزیسیون تلاش نمایند، اما این تلاش‌ها تاکنون ناموفق بوده و صرفاً به وحدت طیف کوچکی از آن‌ها منجر شده، و شامل تمامی مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود. حتی می‌توان چنین بیان داشت که بسیاری از این جریان‌ها و گروه‌های مخالف دچار اختلافات و تنش‌هایی با یکدیگر می‌باشند که گستردگی آن بسیار است. از رضا پهلوی گرفته تا سازمان منافقین، دموکرات‌ها، مشروطه‌خواهان سلطنت‌طلب، جریان‌های مختلف همجنس‌گرا را می‌توان در این دسته قرار داد. در ادامه با توجه به ماهیت نظام سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، دسته‌بندی‌های متفاوت اپوزیسیون بیان شده است:

الف) گروه‌های سلطنت‌طلب (حزب مشروطه): این حزب با نام سازمان مشروطه خواهان از میانه سال‌های ۱۳۷۰ با حمایت رضا پهلوی و به‌صورت غیرعلنی و با فعالیت‌های پراکنده شکل گرفت. پس از اختلافات احمد قریشی با رضا پهلوی، مهرداد خوانساری مسئولیت اداره این حزب را برعهده گرفت. در طول سال‌های ابتدایی، این حزب با برگزاری کنفرانس‌هایی در اروپا و آمریکا بدون هماهنگی با شاخه دیگر خود، دچار اختلافاتی شدند. این اختلافات زمینه‌ساز درگیری‌ها و درنهایت انشعاب‌هایی در سازمان نوین‌د مشروطه خواهان گردید. در نتیجه دو جناح «خط مقدم» به دبیری مهرداد خوانساری و «راه آینده» به دبیری داریوش همایون از درون این حزب به وجود آمدند. در دومین کنفرانس این حزب که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، نام خود را به «حزب مشروطه ایران» تغییر داد (شمس، ۱۳۹۵: ۳۲۷-۳۲۷). تلاش برای تحریک اقشار اجتماعی و ایجاد دوقطبی‌های سیاسی از مواضع و اهداف مهم این حزب بوده است. علاوه بر آن، تأکید بر تاریخ پیش از اسلام و دوران باستان از مواضع اصلی این حزب می‌باشد. از مهم‌ترین اقدامات و کنش‌های شکل گرفته از سوی این حزب طی سال‌های گذشته می‌توان به بزرگنمایی و استفاده از وضعیت اعتراضات گروه‌های مخالف در سال ۱۳۸۸ و بسیج سازمان‌های حقوق بشری علیه نظام سیاسی ایران اشاره

نمود. این حزب سعی در مخدوش نمودن چهره روحانیت نموده است (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۳/۰۵/۲۸). تحریم انتخابات به‌ویژه در جریان انتخابات سال ۱۳۹۶ از دیگر کنش‌های این حزب است. از دیگر اقدامات این گروه می‌توان به صدور بیانیه‌ها و درخواست‌هایی مبنی بر حمایت از اعتراضات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ اشاره نمود. از دیگر گروه‌هایی که در جهت حمایت از سلطنت‌طلبی شکل گرفته، می‌توان به شورای ملی ایران برای انتخابات اشاره نمود که در تاریخ ۷ اردیبهشت سال ۱۳۹۲ در شهر پاریس شکل گرفت. برخلاف هدف اعلامی که رسیدن به دموکراسی بر پایه یک نظام سکولار در ایران بیان گردید، این شورا هدف نهایی خود را بر بازگرداندن خاندان پهلوی و شخص رضا پهلوی به سلطنت دانسته است (شورای ملی ایران، ۱۳۹۶/۰۶/۰۷). رئیس این شورا در دوران ترامپ و در جریان یک سخنرانی بیان داشت که دولت ترامپ با ضبط اموال ایران، کمک‌های مالی بسیاری را در اختیار نیروهای اپوزیسیون از جمله شورای ملی ایران قرار داده است (The Washington Institute, 2018/12/18). به اعتقاد برخی از تحلیلگران و به ویژه در راستای اهداف و سیاست‌های بازیگران بین‌المللی جریان حامی پهلوی یا به‌اصطلاح «سلطنت‌طلب‌ها» تنها گروه اپوزیسیون متشکل‌اند که قابلیت تبدیل به یک آلترناتیو را دارند، و می‌توانند جایگزین بحران مشروعیت در دوران گذار شوند و همین مسئله رضا پهلوی را به عنصری محوری در ائتلاف‌ها تبدیل کرده است.

ب) سازمان مجاهدین خلق: ریشه این سازمان به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران مربوط است که از سوی جوانان مارکسیست در سال ۱۳۵۰ برای برپایی حکومت خلقی با چشم‌انداز دستیابی به سوسیالیسم در ایران، رویکرد مسلحانه را برای مبارزه با محمدرضا پهلوی برگزیدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این سازمان با نام سازمان فداییان خلق اعلام موجودیت نمود. پس از انتخاب فرخ نگهدار به‌عنوان دبیر اول این سازمان، این گروه خواستار نابودی تمام ارکان سلطه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فرهنگی امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن گردید (سالم و همکاران، ۱۴۰۰ الف: ۸۲-۸۱). این سازمان نمی‌توانست ماهیت جمهوری اسلامی با محوریت ولی‌فقیه و دین مبین اسلام را بپذیرد (باقرزاده، ۱۳۷۲: ۸۲). این گروه پس از خروج از ایران، فرایند سازمان‌دهی کار مخفی مبتنی بر تمرکز رهبری در خارج از کشور را دنبال نمودند (شمس، ۱۳۹۵: ۲۰۶). با تخلیه مجاهدین از قرارگاه اشرف و اخراج آن‌ها از عراق و همچنین قرار گرفتن نام مجاهدین خلق در لیست گروه‌های تروریستی عملاً در سرگردانی به سر برده‌اند. باین‌حال، از مهم‌ترین کنش‌های این

گروه در طی سال‌های اخیر می‌توان به فراخوان شرکت در تظاهرات دی‌ماه ۱۳۹۶؛ صدور بیانیه و فراخوان علیه جمهوری اسلامی در طول اعتراضات آبان ۱۳۹۸؛ راه انداختن کارزارهای فراوان؛ راه انداختن کارزارها و بیانیه‌هایی در حمایت از اعتراضات سال ۱۴۰۱؛ و صدور بیانیه‌هایی در حمایت از برگزاری رفراندوم برای تغییر قانون اساسی اشاره نمود.

ج) سایر افراد و گروه‌های مستقل: به‌جز پادشاهی خواهان و سازمان مجاهدین خلق، سایر گروه‌های اپوزیسیون دیگری نیز وجود دارند که در نوع فعالیت‌هایشان با یکدیگر تفاوت دارند. برخی گروه‌ها از جمله نهضت آزادی سعی دارند که در ظاهر و شعار در چارچوب قانون اساسی فعالیت کنند و بدین منظور حتی در انتخابات نام‌نویسی می‌کنند که اغلب رد صلاحیت می‌شوند. علاوه بر نهضت آزادی، می‌توان به سایر گروه‌ها و احزاب همچون حزب دموکرات کردستان (حدک)؛ حزب دموکرات کردستان ایران؛ حزب کومله کردستان ایران؛ شورای مدیریت گذار؛ شورای ملی ایران؛ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و بسیاری دیگر از افراد و جریان‌های سیاسی اشاره نمود که به طرق مختلف و با دیدگاه‌های سیاسی متفاوت به مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. همچنین می‌توان به داعیه جمهوری‌خواهی اشاره نمود که تمایل دارند این برداشت را تسری دهند که این جریان تقریباً میان همه اپوزیسیون جمهوری اسلامی اعم از سلطنت‌طلب و غیر سلطنت‌طلب به نقطه مشترک تبدیل شده است. از دیگر افراد که در جایگاه فعال مدنی و سیاسی اقدام به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران نموده‌اند و در این راستا، طی سال‌های اخیر کنش‌هایی چه به‌صورت فعالیت‌های رسانه‌ای و چه حضور فعالانه در تحریک اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و سایر اقدامات را صورت داده‌اند، می‌توان به حامد اسماعیلیون، رضا پهلوی، نازنین بنیادی، مسیح علی‌نژاد و علی کریمی اشاره نمود که هم‌زمان با سال نوب ۲۰۲۳ میلادی در پیامی توئیتری با یک هشتگ مشترک ائتلاف کردند و چند ماه بعد هم یکی‌یکی از هم جدا شدند. آن زمان حامد اسماعیلیون، رضا پهلوی، نازنین بنیادی، مسیح علی‌نژاد و علی کریمی به‌طور هم‌زمان در صفحه‌های توئیترشان از «سازمان‌دهی و همبستگی» خبر دادند و آرزوی تحقق آزادی و عدالت در ایران را مطرح کردند. سپس شیرین عبادی حقوق‌دان و عبدالله مهدی دبیرکل حزب کومله هم به آن‌ها پیوستند. این جمع به‌عنوان مهم‌ترین چهره‌های اپوزیسیون با یکدیگر ائتلاف کردند، اما واقعیت این است که گروه‌های مخالف نظام سیاسی ایران، بسیار گسترده‌تر از این جمع هستند. باین‌حال، نویسندگان در این پژوهش، گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران را به شش گروه کلی تقسیم کردند که شامل گروه‌های اتنیکی (قومی)، ملی‌گرایان، سلطنت‌طلبان، چپ‌گرایان، مسلمانان

ترقی خواه و مجاهدین می‌باشند. اما حتی در داخل خود این گروه‌ها نیز، میزان بالایی از تنوع ایدئولوژیک و تعارض منافع وجود دارد و بخش عمده این تنوع و اختلافات در راستای ادعای این نوشتار و مبتنی بر نظریه نفع شخصی یوهان گرافلند قابل تحلیل می‌باشد.

۶. تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران براساس نفع شخصی

الف) گروه‌های سلطنت طلب (حزب مشروطه): این سازمان در تقابل با جمهوری اسلامی ایران در رده مخالفان برانداز دسته‌بندی می‌گردند و کلیت ساختار جمهوری اسلامی را قبول ندارد. برخی مجامع بین‌المللی همچون سازمان ملل، شورای حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و غیره را می‌توان از مراکز تعامل اعضای این حزب دانست که در مجموع فرصت‌هایی را برای اعضای آن فراهم کرده است (شمس، ۱۳۹۵: ۳۴۹). احزاب و سایر گروه‌های سلطنت طلب در حمایت از رضاپهلوی با یکدیگر اختلاف دارند که این موضوع تهدیدی برای حزب مشروطه بوده است. به‌عنوان مثال انجمن پادشاهی ایران در بیانیه‌های خود انزجار خود را از رضا پهلوی نشان داده و اعلام کرده که رضا پهلوی از آن‌ها نیست (حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۸/۰۱/۲۰). شورای ملی ایران نیز منافع خود را در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تفسیر نموده است. این شورا جایگزینی یک نظام سلطنتی به پادشاهی رضا پهلوی را به‌عنوان مهم‌ترین هدف و منفعت خود در نظر گرفته است.

ب) سازمان مجاهدین خلق: این سازمان در نخستین اقدامات خود در سال ۱۳۶۹ کنگره‌ای را با هدف دموکراسی خواهی در کنار سوسیالیسم مطرح نمود و لازمه آن را پایان دادن به نظام جمهوری اسلامی ایران دانست (سالم و همکاران، ۱۴۰۰ الف: ۸۷). این سازمان طی سال‌های اخیر با برگزاری تجمعاتی به‌ویژه در پاریس و صدور بیانیه‌هایی از سوی رهبری آن، اقداماتی را در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت داده‌اند. این گروه در این مسیر از مبارزات مسلحانه به‌عنوان یک اقدام مشروع نام برده‌اند. تعارضات موجود ایدئولوژیکی بین سازمان مجاهدین خلق و سایر گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه سلطنت‌طلبان در اظهارنظرها و عدم اتحاد این سازمان با سایر افراد و گروه‌های فوق قابل مشخص است.

اختلافات داخلی متعدد بین این گروه‌های مخالف امکان ایجاد وفاق بین آن‌ها را به حداقل ممکن کاهش داده است. بارزترین نمونه در این خصوص، منشور «همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران» می‌باشد که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ و در تاریخ ۱۹ اسفند سال ۱۴۰۱ با

همراهی گروهی از فعالان سیاسی و مدنی و مخالفان نظام جمهوری اسلامی همچون حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد و عبدالله مهندی ایجاد شد، اما در مدت محدودی و بنا به تعارض منافع افراد حاضر در آن از بین رفت و اسماعیلیون و رضاپهلوی از آن خارج شدند. این منشور با مخالفت بسیاری از تحلیل‌گران و ملی‌گرایان ایرانی قرار گرفت. هوشنگ امیراحمدی تحلیلگر سیاسی و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در آمریکا از این منشور انتقاد کرد: «این منشور، منشور تجزیه ایران است. در این منشور اسمی از تمامیت ارضی ایران برده نمی‌شود و اسمی هم از اینکه این سرزمین یکپارچه زبانش چیه معلوم نیست، همه زبون‌ها توش هستن! زبان ملی که مهم‌ترین اصل وحدت مهم نیست؟» (انتقاد تند مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه از منشور همبستگی، ۲۰۲۳/۰۴/۰۹). این منشور که در روز چهل و سوم خود فروپاشید و کسانی که حتی نتوانستند کنار هم ۴۳ روز ظاهرنمایی کنند، می‌خواستند یک حکومت ۴۳ ساله را براندازی کنند. به عبارت بهتر، گروه‌هایی که قرار بود با همبستگی، پروژه براندازی را پیش ببرند و برای مردم ایران از کثرت‌گرایی و دموکراسی صحبت می‌کردند، خودشان را هم نتوانستند تحمل کنند. البته باید گفت به بن‌بست رسیدن منشور فوق که با عنوان «منشور مهسا» شناخته می‌شود از قبل مشخص بود، چراکه گروه‌ها و افراد تشکیل‌دهنده آن هر کدام در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار داشتند. از طرف دیگر به‌رغم تلاش اسماعیلیون برای نشان دادن چهره‌ای حقوق بشری از خود، ارتباط او با سازمان منافقین عیان شده است. حمایت‌های او از منافقین و بیان خواسته‌های فرقه رجوی از سوی وی، گواه این مدعاست (مشرق، ۱۴۰۲: mshrgh.ir/1482973). در میان افرادی که از ناآرام کردن اوضاع کشور تحریم بیشتر مردم ایران سودی نصیب‌شان می‌شود به‌نظر می‌رسد سهم مسیح علی‌نژاد بیش از دیگر براندازان باشد. چند وقت پیش بود که خبر رأی دادگاه فدرال آمریکا به‌نفع علی‌نژاد منتشر شد. او در آن دادگاه

۱ حامد اسماعیلیون، در ۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ با انتشار بیانیه‌ای در توئیتر از «فشار بیرونی» بر اعضای «گروه جورج تاون» سخن گفت و کناره‌گیری خود از این ائتلاف را رسماً اعلام کرد. او در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» اختلاف خود با نظرات پهلوی را علنی کرد. در تاریخ ۶ اردیبهشت چهار عضو دیگر ائتلاف یعنی نازنین بنیادی، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد و عبدالله مهندی با انتشار پیامی بر «ادامه اتحاد» خود تأکید کردند؛ نام رضا پهلوی دیگر عضو این ائتلاف در پای این پیام دیده نمی‌شود. همچنین در تاریخ ۱۸ اردیبهشت، نازنین بنیادی نیز از «منشور مهسا» کناره‌گیری کرد.

به‌خاطر بازداشت برادرش در ایران و آسیب روحی‌ای که از این بازداشت متحمل شده، خواستار پرداخت ۵۰۰ میلیون دلار به‌عنوان غرامت از پول‌های بلوکه‌شده مردم ایران بود و دادگاه نیز رأی به پرداخت سه میلیون دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران به ایشان داد. موضوعی که پیش از واکنش ایرانیان داخل کشور، با واکنش منفی براندازان همراه شد. در پی این واکنش‌ها نیز علی‌نژاد اعلام کرد مبلغ موردنظر را دریافت نخواهد کرد و تنها این اقدام را برای جلب کردن توجه به اقدامات ایران انجام داده است. با این وجود اما نه‌تنها خبری از بازگشت مبلغ این غرامت توسط علی‌نژاد نبود، بلکه وی اقدام به تأسیس موسسه‌ای کرد که بر مبنای مراجعه افراد و به ازای دریافت چند درصد کل مبلغ، اقدام به پرداخت غرامت به آن‌ها می‌نماید. عبدالله مهتدی رهبر حزب «کومله زحمتکشان کردستان ایران» هم به دلیل تمرکز بر مسئله «کرد»، کاری به مسائل ایران نداشته است. به همین دلیل او از طرف منتقدانش به «تجزیه‌طلبی» متهم شده است. مهتدی در جلسه‌ای که با اعضای حزب و نیروهای قدیمی برگزار کرده، تحت فشار شدیدی قرار گرفت و گفت که برای پیشبرد ایده‌شان مجبور بوده مسئله سرزمینی را در منشور مهسا بپذیرد، اما به آن اعتقادی نداشته که حاکی از ترجیح منافع فردی و حزبی بر منافع جمعی است.

رضاپهلوی از طریق تأمین منابع مالی مصادر شده ایران در خارج از کشور، معتقد است که باید بودجه دولت موقت و همچنین تأمین مالی کارگران جهت اعتصابات در شرایط فعلی و در مرحله گذار، از این طریق تأمین گردد تا حداقل ابزار لازم را برای انجام امور وجود داشته باشد. کشور نمی‌تواند کارکرد بیمارستان‌ها، برق، آب و هر چه که هست را متوقف کند و این چالشی دیگر است. وی از گروه‌های مختلفی از متخصصان صحبت به میان می‌آورد که جنبه‌های مختلف گذار را بررسی می‌کنند. وی در کنار یک ائتلاف سیاسی، گروه‌هایی از متخصصان را نام می‌برد که باید روی جنبه‌های مختلف این گذار کار کنند. رضا پهلوی که در جریان التهابات اخیر ایده‌های متعددی همچون کمپین وکالت و پیمان همبستگی را به راه انداخت تا خود را به‌عنوان چهره اپوزیسیون مطرح کند و گوی سبقت را از دیگر رقبای خود برویاند تلاش داشت از این برندینگ برای خود کلاه‌های بدوزد و ادعاهای خود را به دولت‌های غربی بفروشد. در ایام آغاز التهابات که عربستان سعودی به‌عنوان اصلی‌ترین حامی مالی اپوزیسیون و رسانه‌های تروریستی آن‌ها شناخته می‌شد تصاویری از رضا پهلوی منتشر شد که او را در حال قدم زدن در هتلی در عربستان نشان می‌داد. در پی این تعاملات برخی منابع مدعی شدند رضاپهلوی از وزارت دارایی عربستان بابت پیشبرد پروژه براندازی

۹۰ میلیون دلار دریافت کرده است. پس از شکل‌گیری توافق بین ایران و عربستان اپوزیسیون منبع مالی خود را از دست رفته دید و ربع پهلوی نیز برای جبران خلأ به‌وجود آمده در پی یافتن حامی مالی و اسپانسر جدید راهی تل‌آویو شد و برای نشان دادن همسویی خود با صهیونیست‌ها حاضر شد از بسیاری از ادعاهای شعاری دمکراتیک و مبتنی بر منافع ملی عدول کند.

بنابراین به نظر می‌رسد وقتی پای حمایت‌های مالی در میان باشد، کاسبی کردن از وقایع و اتفاقات سال‌های گذشته همچون اعتراضات سال ۱۴۰۱ امر بدیهی برای اپوزیسیون محسوب می‌شود تا حدی که حاضرند عقاید خود را نیز دستخوش تغییر ۱۸۰ درجه‌ای قرار دهند. این مصادیق و استدلال‌ها حاکی از آن است که این افراد و گروه‌های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدن به منافع شخصی هیچ‌گونه حدود مرز اخلاقی و انسانی حتی در قبال نزدیک‌ترین افراد خانواده خویش قائل نبوده‌اند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی تاکنون اپوزیسیونی بوده است که خودش هم علیه خودش اقدام کرده است. اپوزیسیون فوق که تحت عناوینی همچون ضد نظام و برانداز شناخته می‌شوند، به‌صورت انتزاعی به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی پرداخته و بی‌بهره از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی در درون نظام و حضور در بطن و متن زندگی روزانه در نظام می‌باشند. اقدامات و کنش‌های جمعی این گروه‌ها با توجه به آنچه بیان گردید، عملکردی در جهت تأمین منافع گروه‌های مورد تعلق و تحت حمایت خود بوده که این موضوع در نهایت به تأمین منافع شخصی آن‌ها به طرق مختلف منجر شده، و کنش‌های آن‌ها منحصرأ وابسته به مصرف شخصی خود آن‌ها بوده است. بنابراین، اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی ایران نیز با ائتلاف شکننده و پیگیری اهدافی که برطرف‌کننده منافع گروهی و شخصی خود آن‌ها بوده است، نشان داده که توانایی نمایندگی منافع جمعی مردم ایران را ندارد یا اصلاً چنین هدفی را دنبال نمی‌نمایند.

رقابت سیاسی این افراد و گروه‌های سیاسی مخالف و عدم ائتلاف آن‌ها به دلیل عدم همسویی در منافع و ایدئولوژی می‌باشد. این گروه‌ها در عین تضاد منافع و عدم امکان فعالیت آزادانه در ایران، اقدام به بهره‌برداری و سوءاستفاده از اعتراضات عمدتاً معیشتی و اقتصادی نموده‌اند. در واقع از شرایط غیرعادی و بحرانی رخ داده در کشور برای رسیدن به مقاصد و اهداف خود و گروه‌های تعلق خود بهره‌برداری کرده‌اند (سالم و همکاران، ۱۴۰۰ ب: ۱۵۱). این گروه‌های سیاسی و جریان‌های فکری مخالف نظام سیاسی ایران در عین تفاوت در منافع و ایدئولوژی‌های خود در حوزه‌های مختلف به ارائه

فراخوان‌های مختلف اقدام نموده و فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده‌ای را ترتیب داده‌اند. مسئله‌ای که بر سیر تحولات اجتماعی به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۸۸ به بعد همچون اعتراضات سال ۱۳۸۸؛ تظاهرات دی‌ماه سال ۱۳۹۶؛ اعتراضات آبان ماه سال ۱۳۹۸ و اعتراضات سال ۱۴۰۱ بسیار تأثیرگذار بوده و در پاره‌ای از موارد تهدیداتی را برای نظام جمهوری اسلامی ایران شکل داده است.

نکته دیگر در تبیین گروه‌های اپوزیسیون و تحلیل آنها براساس نظریه نفع شخصی از بررسی تاریخی و جامعه‌شناسانه روند انقلاب اسلامی قابل دریافت می‌باشد. تحلیل انقلاب اسلامی بر اساس ظهور گفتمان مخالف گفتمان پهلوی، اپوزیسیون پهلوی (نفع شخص) را شکل داد و همچنین دسته بندی‌ها و ائتلاف‌ها و اختلافات گروه‌ها و نیروهای قبل و پس از انقلاب، اپوزیسیون مجاهدین خلق (نفع شخصی) شکل داد. بنابراین بررسی روند انقلاب اسلامی و حذف شدگان از گفتمان انقلاب اسلامی در راستای منافع شخصی و گروهی، جریان‌های اپوزیسیون را شکل داد که برخی از آنها یک نظام و رژیم سیاسی را از دست داده بود و در صدد بازگشت مجدد به قدرت از طریق صورتبندی اپوزیسیونی است (رضا پهلوی) و برخی دیگر از آنها در تفسیر از فرایند انقلاب و انقلابیون در راستای منافع خویش از قطار انقلابیون جا ماندند و دستیابی به قدرت و تفکر مبتنی بر آن را در بازسازی خویش در قالب اپوزیسیون دیدند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا به تحلیل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه نفع شخصی یوهان گرافلند پرداخته شود. در سایه شکل‌گیری اعتراضات و حوادثی که طی چندین سال اخیر در داخل کشور صورت گرفت، نگاه به اپوزیسیون خارجی و برانداز و شناخت رفتار و نحوه مواجهه آن‌ها با چنین حوادثی از اهمیت افزونی برخوردار بود. تعریف اپوزیسیون به معنای بررسی و ارزیابی انتقادی گروه‌ها و افرادی که در مقابله با یک نظام سیاسی یا یک گروه قدرتمند، آراء و مواضع مخالفی را اعلام می‌کنند، می‌باشد. در محتوای بررسی اپوزیسیون، اصول و آرمان‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر این اصول و آرمان‌ها منافع ملی و جمعی یک کشور را دنبال نکند نقد و طرد می‌گردد. اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی ایران نیز با ائتلاف شکننده و پیگیری اهدافی که برطرف‌کننده منافع گروهی و شخصی خود بود نشان داد که توانایی نمایندگی منافع جمعی مردم ایران را ندارد یا اصلاً چنین هدفی را دنبال نمی‌کند. براندازی در گروه‌های اپوزیسیون تبدیل به بستری برای سودآوری و جمع‌آوری منافع مادی و

معنوی و مطرح‌شدن افراد صرفاً برای منافع خود بوده است. چارچوب تئوریک نفع شخصی یوهان گرافلند که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، به‌خوبی تبیین‌کننده جایگاه اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از آن‌جهت که هر عملی که از طرف این گروه‌ها انجام می‌پذیرد نهایتاً به نفع شخص و حزبی خود افراد و گروه‌ها ختم می‌شود. انگاره نفع شخصی آگاهانه ناظر بر این معناست که اپوزیسیون در نهایت امر به‌واسطه نفع شخصی خودانگیخته شده‌اند و در واقع خادم منافع شخصی خودشان می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که نگرش‌های اپوزیسیون در مسائل مختلف نه تنها مبتنی بر نگرانی‌ها در مورد نقض منافع خصوصی متکی است، بلکه تا حدی ناشی از باورها در مورد مزیت احزاب خود است. یافته‌های مبتنی بر نفع شخصی اپوزیسیون از یک سو براساس تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی و حذف گفتمان پهلوی در قالب شکل‌گیری اپوزیسیون پهلوی توضیح و تفسیر شد و از طرفی روند شکل‌گیری و اقدامات آن متناسب با مدل نظری مقاله نشان داده شد. علاوه بر آن با تحلیل ائتلاف‌ها و گروه‌های انقلابی، چگونگی تضاد منافع برخی جریان‌ها با انقلابیون توضیح داده شد و شکل‌گیری ایدئولوژی جدید متناسب با اهداف سیاسی و قدرت طلبانه برخی گروه‌ها اپوزیسیون‌های دیگری با اهداف سیاسی و منفعت طلبانه را شکل داد و تحلیل موضع‌گیری و رفتار این گروه و تشریح نقد درون‌گروهی و برون‌گروهی آنها بیانگر ترجیح منافع گروهی بر منافع جمعی است.

منابع

- ابوالحسنی، علی (۱۳۷۸). بررسی پرونده اپوزیسیون در ایران. مطالعات راهبردی، ۸ (۴)، ۱۸-۱.
- احسانی نیا، علیرضا (۱۳۹۱). پیدایش، رویکرد و فرجام گروه‌های معاند و اپوزیسیون. تهران: اداره کل حراست.
- امیراحمدی، هوشنگ (۲۰۲۳). انتقاد تند مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه از منشور همبستگی. دریافت‌شده در ۲۰۲۳-۰۴-۰۹؛ dana.ir.
- باقرزاده، طاهره (۱۳۷۲). قدرت و دیگر هیچ. تهران: انتشارات اطلاعات.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۸/۰۱/۲۰.
- حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۳/۰۵/۲۸.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۸). اپوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۲ (۴)، ۹۸-۸۳.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: جزوه درسی دوره دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
- سالم، ملیحه؛ کشاورز شکری، عباس؛ غفاری هشجین، زاهد (۱۴۰۰ الف). تحلیل مواضع و فرآیند بسیج منابع سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و حزب مشروطه ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۶ (۲)، ۱۰۹-۷۳.
- سالم، ملیحه؛ کشاورز شکری، عباس؛ غفاری هشجین، زاهد (۱۴۰۰ ب). تحلیل مواضع و فرآیند بسیج منابع اپوزیسیون چپ و سلطنت‌طلب: مطالعه موردی سازمان راه کارگر و شورای ملی ایران. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲ (۴)، ۱۶۲-۱۲۱.
- شمس، وحید (۱۳۹۵). بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- صدر شیرازی، محمدعلی (۱۳۹۵). بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فکری، میثم (۱۳۹۹). اپوزیسیون در نظام جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- فکری، میثم؛ رهبر، عباسعلی (۱۴۰۱). بازشناسی مواجهه جمهوری اسلامی ایران و اپوزیسیون، در چهل سالگی انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱)، ۱-۳۰.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۵). نوگرایی؛ تحول و دیکتاتوری در ایران؛ نظم نوین و مخالفانش (۱۹۲۷-۱۹۲۹). ترجمه فرشید نوروزی، تاریخ‌پژوهان، ۷ (۵)، ۲۱۷-۱۶۸.
- گرافلند، یوهان (۲۰۰۹). نفع شخصی. ترجمه جان محمدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، جستارهای مبین، ۶ (۹)، ۱-۱۱.
- مشرق (۱۴۰۲). عامل اصلی اختلاف در منشور همبستگی. ۴ اردیبهشت، کد خبر ۱۴۸۲۹۷۳، قابل دسترس در: mshrgh.ir/1482973.
- منصوری، علی (۱۳۹۹). بررسی چرایی و چگونگی تغییر استراتژی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در قبال جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۱ به بعد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی و احد ایلام.
- مهدوی زادگان، داوود (۱۳۸۱). رفتارشناسی سیاسی، اپوزیسیون در قدرت. فلسفه و کلام، ۶ (۲۲)، ۲۱۴-۱۹۳.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۴). اقتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت‌های زنان در دوره رضاشاه. گفتگو، ۴ (۴۴): ۱۲۱-۱۵۱.
- نیلی، فرهاد؛ دوست‌حسینی، احمد؛ نیلی، مسعود؛ کردبچه، احمد؛ صابری، علی‌اکبر؛ درگاهی، حسن (۱۳۹۳). دولت و رشد اقتصادی در ایران. چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۸). نظریه انتخاب عمومی و ضرورت تحول در ساختار اداری. مدیریت، ۶ (۲۳)، ۲۰-۵.
- یونس، محمد؛ ویر، کارل (۱۳۹۴). کسب‌وکار اجتماعی، شیوه جدیدی از کسب‌وکار که منجر به تأمین نیازهای حیاتی بشر در دنیای سرمایه‌داری خواهد شد. ترجمه عنبرستانی، حسین. رضوی، سید وحید، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

- Biezen, V., & Wallace, H. (2013). Old and New Oppositions in Contemporary Europe. *Government and Opposition: An International Journal of Comparative Politics*, 48 (3), 289-313.
- Blondel, J. (2014). Political Opposition in the Contemporary World. *Government and Opposition*, 32 (4): 462-486.
- Bonacker, T., & Sydiq, T. (2021). *The International and the Construction of Opposition in Iran*. In: Ouaisa, R., Pannewick, F., Strohmaier, A. (eds)

- Re-Configurations*. Politik und Gesellschaft des Nahen Ostens. Springer VS, Wiesbaden.
- Christina, A. (2022). *Parties of Pressure: Opposition parties in the dominant-party systems of Botswana and South Africa*. Dissertation presented for the degree of, Doctor in Philosophy in the Faculty of Arts & Social Sciences at Stellenbosch University.
- Dahl, R.A. (1966). *Political oppositions in Western democracies*. New Haven: Yale University Press.
- Demirkaya, B. (2017). *What is Opposition Good For*. Arts & Sciences Electronic Theses and Dissertations. 1097. https://openscholarship.wustl.edu/art_sci_etds/1097
- Graafland, J.J. (2007). *Economics, Ethics and the Market: Introduction and Applications*. London: Routledge.
- Graafland, J.J. (2009). *Self-interest*. In Jan Peil & Irene van Staveren (eds.), *Handbook of Economics and Ethics*. Edward Elgar.
- Graafland, J.J. (2020). Contingencies in the relationship between economic freedom and human development: the role of generalized trust. *Journal of Institutional Economics*, 16 (3): 271-286.
- Graafland, J.J., & Wells, T. R. (2021). In Adam Smith's own words: The role of virtues in the relationship between free market economies and societal flourishing, a semantic network data-mining approach. *Journal of Business Ethics*, 172 (1), 31-42.
- Hühn, M. P., & Dierksmeier, C. (2016). Will the Real A, Smith please stand up. *Journal of Business Ethics*, 136 (1), 119-132.
- Khan, A., Islam, S., & Alam, M. (2021). The role of political opposition: A pre-requisite for democracy. *Journal of Humanities, Social and Management Sciences*, 2 (1), 63-71.
- Kotze, H., & Garcia, C. (2008). Opposition Party Support in Africa: An Elite-Mass Analysis. *Government and Opposition*, 43 (3): 454 - 485.
- Kurzman, C. (2004). *The unthinkable revolution in Iran*. Cambridge: Harvard University Press.
- Mill, J.S. (1862). *Considerations on Representative Government*. CreateSpace Independent Publishing Platform, New York.
- Olson, M. (2002). *The Logic of Collective Action: Public Goods and Theory of Groups*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Sartori, G. (1976). *Party and Party Systems: A Framework for Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schedler, A. (2013). *The Politics of Uncertainty: Sustaining and Subverting Electoral Authoritarianism*. Oxford: Oxford University Press.
- Sen, A. (1987). *On Ethics and Economics*. Oxford: Blackwell.
- Shaw, J.S. (2005). *Public Choice Theory*. Available at: <https://www.econlib.org/library/Enc1/PublicChoiceTheory.html>

Smith, A. (1776). *The Wealth of Nations*. MetaLibri Digital, Library.
The Washington Institute for Near East Policy (2018/12/18). *Forty Years of the Islamic Republic: What Next?*. available in <https://www.washingtoninstitute.org/policyanalysis/view/forty-years-of-the-islamic-republic-what-next>.